

خدایا این قلمها که در دست داریم که احکام خدای تعالی
 بر آن می نویسیم درین جوئی آب روان اندازیم و قلم نکش
 که آب بایستد و نرود پس صاحب قلم لفاله او کند پس برین
 شرط راضی شدند پس قلمها را آب انداختند و همه قلمها
 آب برد الا قلم زکریا علیه السلام که در میان آب نماند
 استاد پس زکریا مکه فل مریم شد و او را می فرمود
 تابست غیر رسید و چندان آثار حلم و صیا در وی بدید آمد
 که زکریا علیه السلام در اوقات و عجب طایفه بود پس در مسجد
 منظری داشت که در محرابی همه مریم و مریم انجا طایفه
 میکرد و در انجا بر میزد و در آن منظر در ایم بسته بود و کید
 با کتیا بود و هر وقت که بسلام او رفتی انواع نعمتها
 در پیش مریم دیدی و کفتی ای مریم این از کجاست کفتی
 من عند الله یزرق من لیسار بغیر بسیار میگفت
 این از نزد خداوندی است که زکریا بداشت که او را
 نزد خدای تعالی شانی عظیم هست و این نشانه لایه مریم
 بود

چرا که

چرا که هیچ زن پیغمبر نبوده و گاه کاهی زیارت مادر رفتی پس چون
 بخد بلوغ رسید او را احتیاج افتاد بغسلی و کتیا علیه السلام
 و در جوار مسجد آبی بود و بر سر آن آب خانه ساخته بودند همه
 غسل کردن پس مریم در انجا رفت و در آن محکم بست و بغسل
 کردن مشغول شد چون فارغ شد و جامه در پوشید تا که
 خبر رسید علیه السلام بشکل آدمی بر مریم ظاهر شد و مریم
 ترسید که این کس از کجا و از کلام راه آمده پس این عقیدار
 از سوره آل عمران معلوم شد باشد و باقی از سوره من معلوم
 میشود و فرمود خدای تعالی که یا محمد یا زکریا
 مریم و بخوان در قرآن آن زمان که مریم در آن مکان شرقی
 از مسجد بیت المقدس بغسل کردن مشغول بود و ما که
 حاضر بودیم جبرئیل را بشکل آدمی بروی ظاهر کردیم
 پس مریم گفت من پناه میکنم بر حق و من از مشغول
 بودم که گفت ای مریم من فرستاده خدا وندم یعنی
 پروردگار تو و مرا بگو فرستاده که ترا بشی خواهر بود